

۱۳۷۵.۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَجِئْتُكُمْ بِسُورَةٍ

شک دارم این آینه ها رو راست باشند

شهره سادات حق دوست اسکی



انتشارات نظری

سرشناسه	: حقدوست اسکویی، سیده شهره
عنوان و نام پدیدآور	: شک دارم این آینه ها روراست باشند/ شهره سادات حقدوست اسکویی
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات نظری ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	: ۸۰ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۲۸۹-۵۷۷-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی قرن ۱۴
ه بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ش ۸۴۱۴ ق/ ۸۳۴۱ PIR
ه بندی دیوبی	: ۸۵۱/۶۲
ه بندی کتابشناسی ملی	: ۴۵۶۵۰۳۹



انتشارات نظری

نام کتاب : شک دارم این آینه ها روراست باشند

نویسنده : شهره سادات حقدوست اسکویی

طراح جلد : علیرضا متین ف

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۶

شمارگان : ۱۰۰۰

«کلیه حقوق مادی، چاپ و نشر مخصوص و محفوظ ناشر می باشد»

دفتر مرکزی : تهران، خیابان ولی عصر (عج)، خیابان سید جمال الدین اسدآبادی (یوسف آباد)

نبش خیابان فتحی شقاقی، جنب بانک انصار، پلاک ۳۲، طبقه ۱، واحد ۱۷

info@nashrenazari.com

همراه: ۰۹۱۹۰۱۲۹۴۵۵

www.nashrenazari.com

تلفن: ۸۸۱۰۲۷۷۵

قیمت : ۷۰۰۰۰ ریال

فهرست

عنوان.....	صفحه.....
یادداشت آغازین.....	۷.....
من می‌شناسم چشم‌هایت را.....	۹.....
رم از گریه‌هایی که همیشه در دلم مانده.....	۱۱.....
حال من، حال عجیبی ست خودت می‌دانی.....	۱۳.....
کاری ندارم آسمان ابری ست یا نه.....	۱۵.....
شک، رم این بی‌تنبه‌ها رو راست باشند.....	۱۷.....
پاییز باشد، در دلم می‌خساید و تنها.....	۱۹.....
شهری پر از دسیسه و مکر پر از نیوغ.....	۲۱.....
مثل یک روز سخت بارانی.....	۲۳.....
من زخم خوردم، زخم خوردم مهر بانم.....	۲۵.....
هر لحظه از حال خودم، بیزار هستم.....	۲۷.....
خاله‌بازی بس است دل‌بندم.....	۲۹.....
بگو به غم که مرا زیرورو کند با خود.....	۳۲.....
سبک، سنگی که از کوهی جدا شد.....	۳۴.....
دلم گرفته بزن ساز، حالم آشوب است.....	۳۶.....
کاشی به کاشی.....	۳۸.....
می‌دوم تا کجای شهرم باز.....	۴۰.....
اینبار هم چشمم به در مانده.....	۴۲.....
راحت که نیست با تو نوشتن از این و آن.....	۴۴.....
به دنیای عجیبیت پا گذاشتم.....	۴۵.....

عنوان.....	صفحه.....
صدات تو گوشمه حتی حالا که.....	۴۷
چقد باید قوی باشی؟!.....	۴۹
سرگیجه.....	۵۱
گرفته دست مراهم در امتداد مسیری.....	۵۱
بازیگر نخبه‌ای به بازی شده‌ای.....	۵۲
سه گانی ۱.....	۵۴
سه گانی ۲.....	۵۴
سه گانی ۳.....	۵۵
سه گانی ۴.....	۵۵
سه گانی ۵.....	۵۶
شرمنده.....	۵۶
از درد دلت خیر ندارم بانو.....	۵۷
از نفس نفس‌های من.....	۵۸
من موج!.....	۶۰
این واژه‌ها.....	۶۲
مادرم.....	۶۴
بسته‌ام در را به رویم.....	۶۵
از تفنگ!.....	۶۷
گفتم مباد از این نزدیک‌تر شوی!.....	۶۸
حوا.....	۶۹
اینجا.....	۷۰
خطا!.....	۷۲

عنوان	صفحه
جاده ناگزیر	۷۳
گفتم میاد حوصله‌ات سر	۷۴
تو را سخت می‌خواهم	۷۵
دیوانه من	۷۶
.....	۷۷
بیرید از من قلم را	۷۸
آغوشم باز کرد	۸۰

یادداشت‌های من

بچه‌ها خوابیدند
شب در اندوه گذشت

صبح، بابا برگشت!

عاطفه، اصلی‌ترین ویژگی است که در این مجموعه شعر خودنمایی می‌کند. وقتی قدم به قدم با شعرهای این دفتر هم می‌نویسم تقریباً با دنیایی روبرو می‌شویم که سرشار از حس، دلوپسی، امید، و دغدغه‌های ویژه‌ای است که این دغدغه‌ها بسیار قابل احترام‌اند.

"راحت که نیست با تو نوشتن از این و آن"

راحت که نیست، هرچه نباید، کنی بیان"

در برخی شعرهای این دفتر که شامل چهارپاره، دوبیتی، رباعی، غزل، نیمایی، سپید و چند سه گانی می‌باشد، شعرها نگاه اجتماعی دارند و برخی عاشقانه صرف. برخی بسیار نزدیک هستند و برخی از یک موضع و منظر کل این دنیای زیون را به سخره گرفته‌اند!

این مجموعه چهارمین مجموعه شعر این شاعر دغدغه‌مند و پرشور است. او آن و همین دفتر به نام‌های "برو زود امامزاده دخیل ببند!" و "پری من، پری نو" که در روزه شعر فولکلور به ترتیب توسط انتشارات واج و اقلیما به زیور طبع آراسته شده بودند و سومین دفتر که "از تو چه پنهان" نام دارد توسط انتشارات نظری رونه بازار نشر گردیده بود که به گزیده شعرهای دو دهه قبل این شاعر اختصاص داشت نه هدی به زبان معیار سروده شده بودند و در قالب‌های کلاسیک و نیمایی و سپید بودند.

این دفتر به زعم نگارنده دریچه‌ایست که ما را با دنیایی از علامت سؤال روبه‌رو می‌کند که البته برای بعضی از چرات‌پاسن‌ها بی‌یافت می‌شود و بعضی دیگر را می‌بایست به جان بخوانیم و بشنویم و لذت ببریم. به امید و آرزوی موفقیت روز افزون برای شاعر این دفتر.

محمدتقی قشقایی